



دانشگاه مازندران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

رساله جهت اخذ درجه‌ی دکتری

در رشته‌ی حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان:

مسئولیت کیفری معتوه در حقوق ایران و مصر

نگارش:

سجاد سلیمانی

استاد راهنما:

دکتر ابوالحسن شاکری

استادان مشاور:

دکتر محمد هادی صادقی

دکتر کیومرث کلانتری

تابستان ۱۳۹۹



چکیده

در حقوق کیفری ایران انسان ها فقط به عاقل یا مجنون تقسیم نمی شوند، بلکه اشخاصی هم هستند که از یک طرف در تعریف مجنون موضوع ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی قرار نمی گیرند و از طرف دیگر متعارفاً عاقل هم نیستند، این افراد ناقص العقل در فقه اسلامی معتوه و به بیماری روانی آنها نیز عته گفته می شود و احکام مخصوص به خود را دارند. هرچند اصطلاح معتوه هم اکنون در حقوق کیفری ایران و مصر مورد استفاده قرار نگرفته لیکن مفهوم آن که نقصان عقل است مورد توجه بوده است و احراز مصادیق آن به سهولت امکان پذیر نیست. برای تشخیص افراد ناقص العقل باید به آن دسته از بیماری های روانی اشاره کرد که نتیجه ی ابتلا به آنها ضعف در قوای تمیز افراد است، از این رو عوارض روانی همچون عقب ماندگی ذهنی، روان آشفتگی، زوال عقل، اوتیسم و.... می توانند از مصادیق عته باشند. با توجه به ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی که شرط مسئولیت کیفری را عقل بیان داشته، معتوه را که ناقص العقل است نباید در صورت ارتکاب هر جرمی واجد مسئولیت کیفری دانست. هرچند در قانون فوق به صراحت به وضعیت کیفری چنین افرادی اشاره نشده است، لیکن در ماده ۹۱ همین قانون به برخی مفاهیم مرتبط با نقصان عقل یعنی نداشتن درک حرمت یا ماهیت رفتار مجرمانه اشاره شده است که در تعیین واکنش کیفری برای این اشخاص باید مورد توجه قرار گیرد. شایسته است با توجه به وضعیت روانی این افراد در صورت ارتکاب جرائم موجب حد، قصاص یا تعزیر به اقدامات تامینی و تربیتی محکوم شوند. در حقوق مصر عته داخل در معنی عاهات عقلی حکم جنون را دارد. در حقوق این کشور نقصان عقل حسب نوع مجازات و سن مرتکب جرم می تواند موجب معافیت، تخفیف و یا تبدیل مجازات باشد.

کلمات کلیدی: مسئولیت کیفری، معتوه، نقصان عقل، حقوق ایران، حقوق مصر.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
الف- بیان مساله	۱
ب- سؤال های پژوهش	۶
پ- پیشینه پژوهش	۶
الف- پژوهش های خارجی	۷
ب- پژوهش های داخلی	۸
ت- فرضیه های پژوهش	۹
ث- حدود پژوهش	۹
ج- اهداف پژوهش	۱۰
چ- روش شناسی پژوهش	۱۰
ح- ساماندهی پژوهش	۱۱
فصل اول: کلیات تحقیق	۱۲
۱-۱- مفهوم شناسی	۱۳
۱-۱-۱- مفهوم مسئولیت کیفری	۱۳
۱-۱-۱-۱- بلوغ	۱۵
۱-۱-۱-۲- عقل	۱۵
۱-۱-۱-۲-۱- مفهوم عقل در حقوق جزا	۱۶
۱-۱-۱-۲-۲- مفهوم عقل در علوم روانی	۱۸
۱-۱-۱-۲-۳- بررسی مفاهیم مرتبط با عقل	۲۱
۱-۱-۱-۳-۲-۱- مفهوم رشد جزائی	۲۲
۱-۱-۱-۳-۲-۲- مفهوم کمال عقل	۲۴
۱-۱-۱-۳- اختیار	۲۷

۵۳	۲-۶-۱- پیشگیری از رفتارهای مجرمانه معتوه.....
۵۵	فصل دوم: تاثیر عته در شکل گیری مسئولیت کیفری.....
۵۶	۲-۱- تاثیر عته در جرم.....
۵۷	۲-۱-۱- تاثیر عته در رکن قانونی جرم.....
۵۸	۲-۱-۲- تاثیر عته در رکن مادی جرم.....
۵۹	۲-۱-۳- تاثیر عته در رکن روانی جرم.....
۶۰	۲-۱-۳-۱- علم.....
۶۱	۲-۱-۳-۱-۱- علم معتوه به حکم.....
۶۳	۲-۱-۳-۱-۲- علم معتوه به موضوع جرم.....
۶۴	۲-۱-۳-۲- اراده.....
۶۶	۲-۱-۳-۲-۱- مقومات اراده معتوه به ارتکاب جرم.....
۶۸	۲-۱-۳-۲-۲- تاثیر اراده در ارتکاب جرم معتوه.....
۷۲	۲-۱-۳-۳- قصد.....
۷۳	۲-۱-۳-۳-۱- قصد معتوه نسبت به فعل مجرمانه (قصد عام).....
۷۴	۲-۱-۳-۳-۲- قصد معتوه نسبت به نتیجه جرم (قصد خاص).....
۷۵	۲-۲- تاثیر عته بر ارکان اهلیت جزایی.....
۷۶	۲-۲-۱- تاثیر عته بر اختیار.....
۷۸	۲-۲-۲- تاثیر عته بر ادراک.....
۸۱	۲-۳- سبب شناسی نظری تاثیر عته برای مجازات نشدن مرتکب.....
۸۱	۲-۳-۱- عته از علل موجهه جرم.....
۸۳	۲-۳-۲- عته از موانع مسئولیت کیفری.....
۸۵	۲-۴- نقصان مسئولیت کیفری معتوه مرتکب جرم.....
۸۶	۲-۴-۱- علل نقصان مسئولیت کیفری معتوه.....
۸۸	۲-۴-۲- میزان نقصان مسئولیت کیفری معتوه.....
۸۸	۲-۴-۲-۱- حقوق کیفری ایران.....
۹۰	۲-۴-۲-۲- حقوق کیفری مصر.....

فصل سوم: واکنش به جرایم ارتكابی معنوه.....	۹۴
۳-۱- ضابطه واکنش به جرائم ارتكابی معنوه.....	۹۶
۳-۱-۱- واکنش بر اساس تعیین سن عقلی.....	۹۶
۳-۱-۲- واکنش بر اساس کیفیت اختلال قوای عقلی.....	۹۹
۳-۱-۲-۱- یکسان شماری مسئولیت کیفری معنوه با مجنون.....	۹۹
۳-۱-۲-۲- یکسان شماری مسئولیت کیفری معنوه با صغیر ممیز.....	۱۰۰
۳-۲- واکنش به جرایم مشمول حد و قصاص.....	۱۰۱
۳-۲-۱- معنوه زیر هجده سال.....	۱۰۴
۳-۲-۱-۱- معنوه طفل.....	۱۰۴
۳-۲-۱-۲- معنوه نوجوان.....	۱۰۵
۳-۲-۱-۳- موضع حقوق کیفری مصر در جرائم مستوجب حد و قصاص معنوه زیر ۱۸ سال.....	۱۱۱
۳-۲-۲- معنوه بالاتر از ۱۸ سال.....	۱۱۲
۳-۲-۲-۱- واکنش به جرائم مشمول حد معنوه بالای ۱۸ سال.....	۱۱۲
۳-۲-۲-۲- واکنش به جرائم مشمول قصاص افراد بالاتر از هجده سال.....	۱۱۷
۳-۲-۲-۳- موضع حقوق کیفری مصر در جرائم مستوجب حد و قصاص معنوه بالاتر از هجده سال.....	۱۱۸
۳-۲-۳- همکاری معنوه در ارتكاب جرم مستوجب حد و قصاص.....	۱۲۱
۳-۲-۳-۱- مشارکت معنوه در ارتكاب جرم مشمول حد و قصاص.....	۱۲۱
۳-۲-۳-۲- معاونت معنوه در ارتكاب جرم مشمول حد و قصاص.....	۱۲۳
۳-۲-۴- ارزیابی واکنش ها به جرائم ارتكابی مستوجب قصاص و حد معنوه.....	۱۲۵
۳-۳- واکنش به جرایم تعزیری معنوه.....	۱۲۸
۳-۳-۱- معنوه کمتر از ۱۵ سال.....	۱۲۹
۳-۳-۲- معنوه بین ۱۵ تا ۱۸ سال.....	۱۳۰
۳-۳-۳- معنوه بالاتر از ۱۸ سال.....	۱۳۱
۳-۳-۴- همکاری معنوه در ارتكاب جرم مستوجب تعزیر.....	۱۳۶
۳-۳-۴-۱- معاونت معنوه در ارتكاب جرم مستوجب تعزیر.....	۱۳۶
۳-۳-۴-۲- مشارکت معنوه در ارتكاب جرم مستوجب تعزیر.....	۱۳۸

- ۳-۳-۵- ارزیابی واکنش ها به جرائم ارتكایی مستوجب تعزیر معتوه..... ۱۳۸
- ۳-۴- واکنش به جرایم مستوجب پرداخت دیه..... ۱۴۱
- ۳-۴-۱- تبیین مسئولیت کیفری معتوه در جرم مستوجب دیه..... ۱۴۱
- ۳-۴-۲- مسئول پرداخت دیه ناشی از جنایت معتوه..... ۱۴۳
- ۳-۴-۲-۱- عاقله..... ۱۴۳
- ۳-۴-۲-۲- معتوه..... ۱۴۴
- ۳-۴-۳- مهلت پرداخت دیه..... ۱۴۴
- ۳-۴-۴- موضع حقوق کیفری مصر در جنایت مستوجب دیه معتوه..... ۱۴۵
- ۳-۵- نقش قاعده دراء در رفع مجازات از معتوه..... ۱۴۶
- ۳-۵-۱- زمینه استناد به قاعده دراء در رفع مجازات از معتوه..... ۱۴۶
- ۳-۵-۲- آثار استناد به قاعده دراء در رفع مجازات از معتوه..... ۱۴۸
- پیشنهاد..... ۱۵۶
- منابع..... ۱۵۷

مقدمه

نگارش هر تحقیقی از آنجا آغاز می شود که در خصوص موضوعی بدواً سوالی در ذهن انسان خطور می کند و همین موضوع باعث شروع به کنکاش می شود، اینجاست که باید موضوع و سوالات آن مطرح گردد و به دنبال فرضیه ها و پاسخ آنها بود. لذا اول صورت مساله بیان می گردد و سولات مرتبط با آن و همچنین فرضیه های ممکن مطرح می شود و سوابق مطالعاتی آن در داخل کشور و خارج بررسی می گردد که در ادامه به آنها پرداخته می شود.

الف- بیان مساله

در حقوق جزای امروزی سلامت عقل به عنوان یکی از عناصر مسئولیت کیفری از اهمیت ویژه ای برخوردار است و احراز مسئولیت کیفری مستلزم آن است که شخص به هنگام ارتکاب جرم از درک و شعور لازم برخوردار باشد. علت آن است که یکی از مهمترین اهداف حقوق کیفری که اصلاح، تربیت و ارعاب است در مورد افرادی که از قوه عقل سالم برخوردار نیستند به راحتی قابل تصور نیست.

نظام عدالت کیفری ایران از ابتدا تاکنون در تلاشی برای هم سو کردن قوانین با مقتضیات زمان در برخورد با موضوع اختلالات روانی روی کردهای متفاوتی را اتخاذ کرده است. در قوانین کیفری ایران تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جنون تعریفی نشده بود و تنها به ذکر اصطلاح جنون و مفاهیم مشابه مانند اختلال قوای دماغی (اختلال شعور) و امثال آن اکتفا شده بود. در ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ به جنون و اختلال دماغی اشاره شده بود و ابتلای به آنها از موجبات معافیت از مسئولیت کیفری دانسته شده بود. در تغییراتی که در سال ۱۳۵۲ در قانون مجازات عمومی به عمل آمد و تحت تاثیر اصطلاحات روانشناسی جدید در بند الف ماده ۳۶ در مورد جنون به نحو دقیق تری نسبت به قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ عمل کرده بودند. طبق تعریف این قانون هر گاه محرز شود مرتکب حین ارتکاب جرم به علل مادر زادی یا عارضی فاقد شعور بوده یا به اختلال تام قوه تمیز یا اراده دچار باشد مجرم محسوب نخواهد شد. در بند ب همین ماده نیز به اختلال نسبی شعور اشاره شده بود. این قانون با بکارگیری اصطلاحات "فقدان شعور"، "اختلال نسبی" اختلال تام" جنون را تقسیم بندی نموده بود.

پس از انقلاب اسلامی در طی سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ که اولین قوانین مجازات اسلامی تصویب و تغییر کردند تقسیم بندی اختلال نسبی و تام قوه اراده و شعور از میان رفت و در هر دوی این قوانین عبارت

"جنون به هر درجه" را جایگزین کردند. ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مثل قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ بیان می داشت " جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است". این مقررہ مبہم بود و در عمل اختلافات فراوانی در تفسیر آن وجود داشت. در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد جنون که مصداق اعلای اختلال روانی است آمده است "هر گاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده و قوه تمیز باشد مجنون محسوب شده و مسئولیت کیفری ندارد." در این قانون برخلاف ماده ۵۱ قانون مجازات سال ۱۳۷۰ که تا حدودی نا مفهوم بود با عبارات روشنی مفهوم جنون را بیان می دارد. در کنار جنون که صراحتاً در قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته شده است و با تعیین ضوابط، شیوه برخورد با شخص مجنون هم در جرایم مختلف مشخص شده است، اختلالات روانی فراوان دیگری همچون برخی از انواع عقب ماندگی ذهنی، اختلالات شناختی و..... وجود دارد که توسط دانشمندان علوم روانی مورد شناسایی قرار گرفته اند و لیکن قانون گذار ایران بعد از انقلاب در اقدامی نه چندان منطقی، صرفاً جنون را رافع مسئولیت کیفری دانسته است، در حالی که در قانون مجازات عمومی قبل از انقلاب در کنار جنون (اختلال تام روانی) به اختلالات روانی غیر تام هم اشاره شده بود و نظام ویژه حقوقی برای آن در نظر گرفته شده بود. در این میان برخی از اختلالات روانی هر چند همان کارکرد و ویژگی را ندارند ولیکن تاثیر قابل توجهی در تخریب قوه ادراک و اختیار شخص دارند به گونه ای که از نظر علوم روانی و یا حتی در دید عرف معمول جامعه به آنها همچون یک شخص طبیعی نگریسته نمی شود. اختلال روانی "عتہ" که در فقه اسلامی به آن اشاره شده یکی از این بیماری های روانی است. اختلال روانی عتہ یکی از موضوعات فقهی است که در کنار سایر عارضه های عقلی از جمله جنون و سفاهت قرار می گیرد. در فقه اسلامی برخی از فقیهان به استناد برخی روایات وارده از سوی ائمه معصومین علیهم السلام به این نوع از اختلال روانی پرداخته اند^۱ و فردی را که دچار چنین عارضه ای است "معتوه" می نامند و در خصوص اعمال حقوقی این قبیل اشخاص فتوا داده اند (قبادی و دیگران، ۱۳۹۴، ۳). قرار گرفتن این دو واژه در کنار یکدیگر از آن جهت است که در ضعف عقلی دارای اشتراک هستند ولیکن ضعف عقلی و خلل در قوای تشخیص و تمیز دارای مراتب می باشد که جنون خاص در حد اعلی و اختلال عتہ در مراتب پایین تری قرار دارد.

هر چند که در فقه اسلامی معمولاً فقها به صورت دسته بندی و به تفکیک به بحث اختلالات روانی و تاثیر آنها در مباحث حقوقی و کیفری اشاره نکرده اند و بلکه به صورت پراکنده و در بین اظهار نظر در خصوص

^۱ - به عنوان مثال می توان به این دو حدیث اشاره کرد: قال علی (ع): "لیس فی مال یتیم و لا معتوه زکاه". قال امام صادق (ع): "لا یجوز

طلاق المعتوه". (حسینی بیرجندی، ج ۳: ۲۱)

موضوعات اصلی فقهی و حقوقی از جمله نکاح، طلاق، وصیت، معاملات و... به برخی از حالات روانی اشخاص که موثر در اعمال حقوقی می باشند مثل سفه، جنون و اشاره می کنند، اشاراتی که در کتب فقهی اسلامی به مفاهیمی مثل جنون، عته، بله، سفاهت و..... شده است نشان دهنده آن است که فقه‌های اسلامی به تفکیک بین مفاهیم این کلمات توجه داشته اند و به فراخور موضوع برخی از مسائل مربوطه را در هر مورد بیان نموده اند که غالب این اظهارات ریشه روایی از سوی معصوم (ع) دارد. با توجه به اینکه در جامعه اشخاص گوناگونی از نظر ویژگی های روانی و عقلانی وجود دارد که بعضاً حسب تشخیص متخصصان علوم روانی و یا بر حسب ظاهر رفتار آنان دچار نوعی از اختلالات روانی شناخته شده می باشند و این اشخاص در معرض ارتباط با سایر اشخاص جامعه و همچنین انجام اعمالی می باشند که ممکن است واجد جنبه حقوقی باشد بررسی، تفکیک، تعیین ویژگی ها و تعیین قواعد حقوقی حاکم و مرتبط با آنان ضروری به نظر می رسد. در حقوق ایران صریحاً به اختلال روانی "عته" یا فرد "معتوه" اشاره نشده است و صرفاً به جنون اشاره شده است و در ماده ۱۴۹ از قانون مجازات اسلامی چنین آمده است: "هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد قوه اراده و تمیز باشد مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد". به این ترتیب قانونگذار فعلی برخلاف قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ با ارائه ملاک و ضابطه تعریف جنون را مشخص نموده است.

فقه‌ها در توضیح و تفسیر حالت روانی "عته" و فرق آن با جنون با یکدیگر اختلافاتی نموده اند، اما بیشتر آنان بین این دو حالت روانی قائل به افتراق شده و حسب مورد احکام آنان را بیان می نمایند. برخی عته را چنین تعریف نموده اند "نقص در عقل است و گفته شده که معتوه فرد غیر عاقلی است که مجنون نشده است و در شرع عته را اختلال در عقل می دانند به گونه ای که معتوه کلامش مختلط است و گاهی شبیه عقلا و گاهی شبیه مجانین است (السامرای، ۱۹۷۳، ۵۴). یکی از فقها نیز پس از آنکه "معتوه" را از شمول عقد ذمه خارج نموده است، در معنای این واژه می نویسد: "..... و نه معتوه و او کسی است که حد وسط عاقل و مجنون است" (کاشف الغطا، جلد دو، ۴۰۹). این^۳ که واژه معتوه در عرض جنون قرار گرفته است این معنا را بیشتر تقویت می کند که مقصود از این واژه غیر از جنون بوده و به معنای نقصان و ضعف عقل است و به معنی فساد و فقدان عقل نیست.

^۱ - نقص فی العقل و قبل ان المعتوه هو المدهوش من غیر مس جنون و فی الشرع عرفوه بانه اختلال فی العقل بحيث یختلط کلامه فیشبه مرء کلام العقلا و مرء کلام المجانین .

^۲ - و لا المعتوه و هو الواسطه بین العاقل و المجنون

^۳ - در برخی از اسناد حدیث رفع قلم در کنار واژه "مجنون" واژه "معتوه" آمده است. مثلاً ابن حنبل در این خصوص آورده است "رفع القلم عن ثلاثة: عن النائم حتی یستقیظ و عن المعتوه او عن المجنون حتی یعقل و عن الصبی حتی یحتلم" (به نقل از مرادی، ع. بررسی شرط رشد در مسئولیت کیفری، فقه اهل بیت، ۱۳۸۷، شماره ۵۳، ص ۱۳۰)

فارق جنون از "عته" عقل است، ضمن اینکه بلوغ به عنوان فارق "عته" از صغر، آنها را از اطفال جدا می کند. برخی از فقیهان اسلامی به طور کلی رشد بزهکار را از شرایط ثبوت کیفر حد و قصاص دانسته اند. این گروه استمرار ضعف قوه تشخیص و تمیز را زمانی که متصل به صغر سن است حتی اگر فرد بالغ باشد مانع مسئولیت دانسته اند (صادقی، ۹۳، ۲۹۱). لیکن به نظر می رسد در صورتی که عته را به عنوان یک عارضه عقلانی در نظر بگیریم تفاوتی از حیث بلوغ و غیر آن نباشد و ممکن است معتوه صغیر نیز باشد که در این صورت بسته به وضعیت روانی فرد مقررات صغیر ممیز یا غیر ممیز بروی اعمال خواهد شد هرچند که نهایتاً فاقد مسئولیت کیفری است. قابل ذکر است که چون جنون دارای مراتب می باشد، بعید نیست همان گونه که برخی از فقها مطرح نموده اند، این موارد (مبرسم و معتوه و...) از مصادیق خفیف جنون باشد. در این صورت حکم ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ از حکم فعلی ماده ۱۴۹ برای رفع مسئولیت کیفری از این قبیل اشخاص مناسب تر بود، زیرا از ظاهر ماده ۱۴۹ مصوب ۹۲ چنین برداشت می شود که باید شخص حین ارتکاب جرم به کلی فاقد اراده و تمیز باشد تا به سبب جنون معاف از مسئولیت کیفری باشد. اما به طور قطع در فقه اسلامی این قبیل اشخاص فاقد مسئولیت کیفری هستند (حر عاملی، جلد ۲۲، ۲۴۱). زیرا همان ملاک و مناطی که موجب انتفای مسئولیت کیفری مجنون است، در شخص معتوه نیز وجود دارد.^۱

با توجه به تعاریفی که از مفهوم "عته" در فقه اسلامی شده است به نظر می رسد می توان معتوه را فردی دانست که از نظر رشد عقلی دچار وقفه شده اند و به اصطلاح روانشناسی عقب مانده ذهنی هستند و در بین طبقه بندی چهار گانه ای که از عقب ماندگان ذهنی شد معتوه می تواند در طبقه عقب ماندگان متوسط یا شدید قرار گیرد و از مسئولیت کیفری معاف شود و نوع اول عقب افتادگان ذهنی یعنی خفیف دارای مسئولیت کیفری

^۱ - صاحب جواهر در توضیح و تفسیر واژه «معتوه» می نویسد: «و لعل المراد من المعتوه فيه ما عن المسوط و النهايه و الوسيله و السرائر من زياده الالبته و ان كان قد فسر هنا بمن لا عقل له الا أن المراد به كما صرح به آخر، ضعيف العقل بل هو المراد مما في محكي الوسيله من التعبير بالسفيه الذي هو في العرف عبارة عن الاحتمال لا السفه الشرعي الذي لا أجد خلافاً في عدم سقوط الجزية عنه لعموم الاولة. اما الاول فلا يبعد سقوطها عنه باعتبار كونه في الحقيقة قسماً من الجنون الذي هو فنون لعدم جواز قتله بسبب ضعف عقله فتسقط عنه الجزية لما سمعته من التعليل و قد ذكرنا في كتاب الطلاق ما يؤكد ذلك فلا حظ و تأمل». [نجفی،] از این عبارت به خوبی می توان دریافت که از دیدگاه ایشان در واقع ضعف عقل هم نوعی جنون بوده و موجب انتفای مسئولیت کیفری از جمله کیفر قصاص می شود. همچنین ایشان در کتاب طلاق پس از ذکر نظر اهل لغت درباره واژه «معتوه» در باره روایت مربوط به طلاق معتوه می گوید: «و حينئذ لا يبعد أن يكون المراد عنه من لا عقل له كامل و مثله يصح مباشرة للطلاق لكن باذن الولي لانه من السفيه فيه كالسفيه في المال و على هذا لا يكون اشكال في النصوص المزبورة بل ربما يكون ذلك جمعاً بين مادل على أنه لا طلاق له... و بين ما دل على جواز طلاقه...». [نجفی، ج ۳۲، ۷] از کلام صاحب جواهر می توان به نکات مهمی دست یافت از جمله اینکه سفاهت اختصاص به امور مالی ندارد؛ بلکه در موارد دیگری از جمله طلاق نیز نوعی سفاهت قابل طرح است و با توجه به این که معتوه به ناقص العقل معنا شده است، می توان گفت که سفاهت در مسائل کیفری نیز قابل طرح می باشد و به همان ملاکی که سفيه در امور مالی، از طرف شارع مورد حمایت قرار گرفته است، در دیگر مسائل از جمله مسائل کیفری نیز مورد حمایت حقوقی قرار می گیرد.

باشند. زیرا این گروه امر و نهی قانون گذار رامتوجه می شوند و توانایی متناسبی در درک امور اطراف خود دارند . در حقوق کشورهای عربی از جمله مصر ، در برخی از قوانین آنها به صراحت از معتوه و مسئولیت کیفری و اعمال حقوقی وی یاد شده است . در ماده ۶۲ از قانون عقوبات مصر چنین آمده است: "هر کس در هنگام ارتکاب فعل مادی جرم فاقد شعور و اختیار باشد مجازات نخواهد شد ، این فقدان شعور و اراده ممکن است ناشی از جنون یا سایر بیماری های عارض بر عقل یا ناشی از مواد مخدر از هر نوع باشد ...". در این ماده از عبارت عربی "عاهه فی العقل" یا بیماری عارض بر عقل استفاده شده است . که در عمل می تواند طیف وسیعی از بیماری هایی را که بر سلامت عقل تاثیر می گذارند شامل شود و صرفاً جهت رفع مسئولیت کیفری به حدوث جنون اکتفا نمی کند . در این ماده به صراحت از لفظ معتوه نام نمی برد و لیکن در ماده ۱۱۴ از قانون مدنی مصر به صراحت از معتوه نام برده است و تصرفات مالی معتوه را همچون مجنون فاقد اعتبار می داند.^۲ در این مقرر معتوه در کنار مجنون قرار داده شده است و تصرفات مالی آنها پس از صدور حکم حجر باطل می باشد و در صورتی هم که قبل از صدور حکم حجر باشد در صورتی که حالت جنون و عته مستقر باشد تصرفات ایشان باطل است.

در ماده ۱۱۳ از قانون مدنی مصر^۳ در کنار مجنون از معتوه و سفیه و غافل نام می برد و احکام خاص آنان را بیان می نماید که با توجه به این مقررات معلوم می شود که برخلاف حقوق کیفری ایران در قوانین کیفری و مدنی کشور مصر عدم مسئولیت کیفری شخص معتوه به رسمیت شناخته شده است و حقوق دانان این کشور اقدام به شرح مواد مرتبط با این مقوله را نموده اند .

در ماده ۴۵ همین قانون بیان نموده که که اشخاصی که به سبب صغر یا جنون و یا عته فاقد قوه تمیز هستند از اعمال حقوق مدنی خود ممنوع هستند . وجه اشتراک صغر ، جنون و عته در این ماده فقدان تمیز ذکر شده است که همان مفهومی را می رساند که در ماده ۶۲ قانون مجازات کشور مصر با عبارت "فاقد شعور" ذکر گردیده است و از این حیث یک رویه واحد بین قانون مدنی و قانون جزا ایجاد شده است . دیوان عالی کشور مصر اختلال روانی عته را اینگونه تعریف نموده است "هرگونه بیماری که بر عقل انسان عارض شود و آن را معیوب کند و از کمال عقل بکاهد و مرجع تشخیص آن متخصصین بیماری های روانی و شواهد حال و... هستند

^۱ - ماده ۶۲ قانون مجازات مصر: لا عقاب علی من یکون فاقد الشعور أو الخیار فی عمله وقت ارتکاب الفعل . إما لجنون أو عاهة فی العقل . وإما لغيوبته ناشئة عن عقاقير مخدرة أيا كان نوعها إذا أخذها قهراً عنه أو غير علم منه بها.

^۲ - ماده ۱۱۴ قانون مدنی مصر: "يقع باطلاً تصرف المجنون والمعتوه إذا صدر التصرف بعد تسجيل قرار الحجر، أما إذا صدر التصرف قبل تسجيل قرار الحجر ، فلا يكون باطلاً إلا إذا كانت حالة الجنون أو العته شائعة وقت التعاقد أو كان الطرف الآخر على بينة منها"

^۳ - ماده ۱۱۳ قانون مدنی مصر: المجنون والمعتوه و ذو الغفلة والسفيه تجر عليهم المحکمه و ترفع الحجر عنهم وفقاً للقواعد و الاجرائات المقرره فی القانون.

(فوزی . ۲۰۱۲: ۹۴) . بنابراین در حقوق مصر اختلال روانی عته مفهومی شناخته شده است که در کنار جنون از آن نام برده می شود و احکام حقوقی مرتبط با خود را دارد.

در حقوق کشور مصر که از خاستگاه مشترکی با حقوق ایران برخوردار است و توجه به احکام مسلم فقهی و اسلامی به عنوان سنگ بنای مواد قانونی تلقی می گردد با ارائه تعریف یا تعیین ملاکی نسبت به تعیین اشخاص فاقد مسئولیت کیفری اقدام نموده اند و با تعاریف و ضوابط ارایه شده در قوانین آنها مشخص می گردد که فقط مجانین و یا اشخاصی که به طور کلی در لحظه وقوع جرم فاقد اراده و اختیار بوده اند مبرا از مسئولیت کیفری نخواهند بود و بلکه اشخاصی که در فقه به عنوان معتوه شناخته می شوند نیز حسب مورد فاقد مسئولیت کیفری هستند. لذا با تطبیق نظام های حقوق کیفری این دو کشور می توان ابعاد مسئولیت کیفری معتوه را بهتر شناسائی نمود.

ب- سؤال های پژوهش

سوالات متعددی در خصوص مسئولیت کیفری معتوه مطرح است ، لیکن مهمترین این سوالات به شرح ذیل است :

۱_ در حقوق کیفری ایران و مصر اگر معتوه زیر ۱۸ سال مرتکب جرم تعزیری شود با چه ضمانت اجرایی روبرو است ؟

۲_ آیا در حقوق کیفری ایران و مصر معتوه بالای سن ۱۸ سال به سبب قتل عمدی محکوم به قصاص نفس می شود؟

۳_ دیه ناشی از جنایات فعل معتوه که کمتر از موضحه باشد بر عهده چه کسی است ؟

۴_ آیا تفاوتی بین افراد زیر و بالای هجده سال تمام که در حین ارتکاب جرم قادر به درک حرمت و ماهیت عمل خود نیستند (آنگونه که در ماده ۹۱ از قانون مجازات اسلامی ذکر شده است) وجود دارد یا خیر ؟

پ- پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع انتخاب شده برای نگارش رساله با عنوان مسئولیت کیفری معتوه در حقوق داخلی به صراحت پژوهشی انجام نشده است و اصولاً واژه های " عته " و " معتوه " برای حقوق دانان و رویه قضایی ایران چندان شناخته شده نیستند ؛ چرا که قانونگذار که منشاء و مبین کلمات حقوقی می باشد اشاره ای به این کلمه نکرده است . این رویه در قانون فعلی مجازات اسلامی نیز وجود دارد، لیکن در ماده ۹۱ قانون مجازات

اسلامی به حالتی اشاره دارد که شخص بالغ زیر هجده سال تمام که قادر به درک ماهیت و حرمت عمل ارتكابی خود نباشد در جرایم مشمول حدود و قصاص از مجازات معینه معاف می شود و به مجازات های تعزیری اشاره شده در فصل دهم قانون مجازات اسلامی محکوم می گردد. با این حال در خصوص این ماده نیز که تنها ماده ای است که مرتبط با مسئولیت کیفری شخص معنوه در حقوق ایران می باشد از سوی سایر نویسندگان و پژوهشگران تحقیق خاصی به عمل نیامده است. اختلال روانی "عته" از زیر مجموعه های اختلالات روانی می باشد که با شرایط تحمل مسئولیت کیفری ارتباط دارد و در صدر آن بحث جنون قرار دارد که تحقیقات فراوانی در خصوص آن انجام و ارائه شده است و به صورت غیر مستقیم با بحث موضوع رساله مرتبط می باشد. همچنین در خصوص تطبیق با کشور مصر که به عنوان کشوری که نظام حقوقی نسبتاً پیشرفته ای دارد و یا سایر کشورها تحقیقی به عمل نیامده است.

الف- پژوهش های خارجی

با توجه به اینکه موضوع رساله برگرفته از مفاهیم فقهی می باشد و از این حیث با توجه به اشتراک مفاهیم فقهی بین حقوق دو کشور ایران و مصر مطالب تقریباً یکسان است لیکن بهره برداری از این مفهوم فقهی در حقوق کشور مصر بیش از ایران می باشد و نویسندگان قوانین این کشور به صراحت از حالت روانی عته نام برده اند و به شرحی که در ادامه خواهد آمد اقدام به تحقیق نموده اند؛

۱- یکی از نویسندگان در حقوق مصر در خصوص عوامل رافع مسئولیت کیفری بیان می دارد: هر زمان جنون یا عاهه العقل ثابت گردد به طور کلی مسئولیت کیفری منتفی می شود چرا که دو رکن اساسی مسئولیت کیفری یعنی ادراک و اختیار متزلزل شده اند. بنابراین فرقی میان جرم عمد و غیر عمد وجود ندارد. نویسنده در ادامه بیان می دارد جنون و عاهه العقل در صورتی موجب سلب مسئولیت کیفری می گردد که موجب از بین رفتن قدرت اراده و تمیز گردد (عیدالغریب، ۱۹۹۴: ۶۴۰).

۲- یکی دیگر از نویسندگان حقوق کیفری مصر به شیوه ی مطالعه تطبیقی به بررسی مفاهیم جنون و عته اقدام نموده است و به صورت خاص در کنار جنون به اختلال روانی "عته" هم اشاره می کند و احکام مرتبط با آن را در قوانین برخی از کشورها بیان می نماید. نویسنده بیان می دارد: منظور از عته همان عاهه العقل می باشد که به معنای هر آفتی است که به عقل اصابت نماید و آن را از حالت طبیعی خارج نماید و در این معنا داخل در مفهوم جنون خواهد بود ولیکن به معنای خاص جنون که در علم پزشکی از آن بحث می کنند نیست و فقط موجب تضعیف ادراک و اختیار خواهد شد. منشا آن می تواند وقفه در رشد و نمو عقلی باشد که به سن رشد و

یا بالاتر از آن رسیده باشد و یا ناشی از بیماری های عصبی باشد. عته شدیدترین حالت نقص عقلی می باشد که از "بله" بالاتر است. به عبارتی نقصان عقل معتوه از ابله بیشتر است و لیکن به حد جنون نمی رسد (القهوجی، ۲۰۰۲: ۴۵۳).

۳- نویسنده کتاب مسئولیت جنایی و ارکان آن در حقوق اسلام در ذیل موانع مسئولیت کیفری در خصوص معتوه بیان می دارد: معتوه کسی است که فهم کمی دارد و کلامش مختلط است و تدبیرش فاسد و نارواست و ممکن است ناشی از علل ذاتی و یا بیماری عارضی باشد و این اختلال اقل درجه از جنون تام می باشد. ممکن است برخی از معتوهین مثل صغیر ممیز و برخی همچون صغیر غیر ممیز باشند و لیکن در صورت زوال قدرت اراده و اختیار شکی در رفع مسئولیت کیفری نیست. این نویسنده در بحث سرقت بیان می دارد: "دست مجنون و معتوه و صغیر غیر ممیز زمانی که مال غیر را به قصد تملک بردارند قطع نمی شود..." (عوده، ج ۱، ۱۹۸۳: ۳۵۷). این موضوع نشان از توجه این نویسنده به چنین حالت روانی دارد.

۴- به جز موارد فوق که به صورت کتاب بوده اند مقالات اندکی نیز در خصوص موضوع وجود دارد. السامرایی در مقاله ای بیان می دارد؛ باید بین نقص قوه ادراک افرادی که معتوه شناخته می شوند تفاوت قائل شد و در صورتی که معتوه فاقد ادراک باشد باید او را مجنون دانست و در صورتی که نقصان قوه ادراک وجود داشته باشد باید این وضعیت را از عوامل مخففه دانست (السامرایی، ۱۹۷۳: ۲۳).

ب- پژوهش های داخلی

همانطور که گفته شد در حقوق ایران پیرامون مسئولیت کیفری معتوه بحثی نشده است، لیکن در خصوص معنا و مفهوم معتوه می توان به پژوهشهای زیر اشاره کرد؛

محمد هادی صادقی در کتاب جرایم علیه اشخاص به کلمه عته اشاره می کند و در ذیل بحث جنایات غیر عمد بیان می دارد که در مواردی ممکن است مجرم بالغ و عاقل باشد و لیکن رشد عقلی مرتکب با سن واقعی او ناهماهنگ است. این اشخاص در فقه اسلامی با مجانین متفاوت هستند و ممکن است نسبت به رفتار خود مسئولیت کیفری داشته باشند، لیکن اگر واجد عقل کودک باشد علی رغم بلوغ مسئولیت کیفری نخواهند داشت. بنابراین ارتکاب جرم بوسیله شخص سی ساله ای که توانایی عقلی او در حد کودک پنج ساله است مشمول احکام مربوط به صغیر غیر ممیز و اگر رشد عقلی او در حد کودک ده ساله باشد مشمول احکام صغیر ممیز خواهد بود.

^۱ -ولا یقطع المجنون أو المعتوه أو الصغیر غیر الممیز إذا أخذ خفیة مالا لغيره بقصد تملک؛ لأن حالة الجنون والعته والصغر مما یرفع العقوبة الجنائیة عن الفاعل، علی أن امتناع القطع فی السرقة قد لا یمنع عقوبته التعزیر کما.

نویسنده معتقد است با توجه به ماده ۹۱ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ادعای عدم رشد جزایی از اشخاص بالاتر از هجده سال نیز شنیده می شود و لیکن متهم و کسان وی باید عدم رشد را در دادگاه به اثبات برسانند (صادقی، ۱۳۹۳: ۲۸۶).

در پژوهشی تحت عنوان "موضوع شناسی عته" نویسندگان به بررسی معنا و مفهوم "اختلال روانی عته" در فقه اسلامی، ارتباط آن با سایر موضوعات مشابه و ریشه یابی آن می پردازند ولیکن در خصوص معیارهای تعیین شخص معتوه و مسئولیت کیفری این اشخاص هیچ توضیحی ارائه نمی دهند. نویسندگان در خصوص مفهوم اختلال روانی عته بیان می دارند که عته شاخه ای از عارضه های عقلی دارای مفهومی نزدیک به آنچه در روان شناسی از آن تعبیر به عقب ماندگی ذهنی می کنند است. این عارضه همچنین دارای ریشه وراثتی است و نسبت آن در بررسی مصداقی، با سایر عارضه های عقلی می تواند عموم و خصوص من وجه باشد و بسته به شدت و نوع آن به لحاظ عدم اراده، عدم درک بدیهیات ناتوانی در امور اقتصادی، تشخیص ضعیف حسن و قبح، با تقسیمات دیگر مطلق جنون از جمله بله، سفه، جنون خاص و سایر عارضه ها اشتراک مصداقی داشته باشد (علمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷).

ت- فرضیه های پژوهش

با توجه به طرح تحقیق و موضوع آن فرضیه های پژوهش به شرح ذیل خواهد بود؛

- ۱- در حقوق کیفری ایران و مصر در صورتی که اشخاص معتوه زیر هجده سال مرتکب جرم تعزیری گردند مشمول اقدامات تأمینی خواهد شد.
- ۲- در حقوق کیفری ایران و مصر در صورتی که فرد معتوه بالای هجده سال مرتکب جنایت عمدی گردد امکان قصاص وجود نخواهد داشت.
- ۳- دیه جنایت های شخص معتوه در صورتی که کمتر از موضحه باشد بر عهده خود وی خواهد بود.
- ۴- تفاوتی بین افراد زیر و بالای هجده سال تمام که در حین ارتکاب جرم قادر به درک حرمت و ماهیت عمل خود نیستند وجود ندارد.

ث- حدود پژوهش

در این پژوهش به فراخور موضوع به مقدار مقتضی و کافی به بحث مسئولیت کیفری و شرایط آن، توضیح و تشریح اختلال روانی عته و شخص معتوه با توجه به متون فقهی و قوانین کیفری فعلی و همچنین دیدگاههای

قانونی و حقوقی در کشور مصر پیرامون اختلال روانی عته پرداخته می شود و در صورت لزوم و جهت تنویر بحث از حقوق سایر کشورهای عربی هم در وقت مناسب آن استفاده می گردد. این پژوهش به صورت کتابخانه ای وبا استفاده از منابع نوشتاری و در ظرف مدت حداقل یک سال انجام خواهد شد.

ج-اهداف پژوهش

هیچ پژوهشی بدن هدف معنا و مفهوم پیدا نمی کند و ضرورت دارد با تعیین هدف آن پژوهش موضوعات مرتبط با آن جمع آوری، تحلیل و ارایه گردد. با توجه به ضرورت هایی که موجب انجام پژوهش می شود تعیین هدف و ارایه دستاورد آن نیز لازم می باشد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر جنبه کاربردی هم دارد و اصولاً با استناد به مواد قانونی و حقوق کنونی نسبت به تشریح موضوع اقدام می گردد هدف اصلی پژوهش در چند محور قابل بحث است. اولاً تعریف، تبیین و شناسایی اختلال روانی عته و مسایل کیفری مرتبط با آن. ثانیاً، با توجه به آنکه هم اکنون در فرایند کیفری کشور ایران افرادی که مبتلا به چنین اختلالی هستند وجود دارند، تعیین حدود مسئولیت کیفری آنان از اهداف دیگر این رساله است، لذا باید دید آیا نظام فعلی حقوق کیفری توان پاسخگویی به جرایم این اشخاص را از طریق اتخاذ تصمیم منطقی و منطبق با شرایط روانی چنین اشخاصی دارد یا خیر؟ و در صورتی که قوانین فعلی منطبق با نیاز چنین اشخاصی و یا فقه اسلامی نمی باشد چه تغییراتی باید در راستای بهبود قانون انجام پذیرد. خلاصه آنکه شیوه برخورد با شخص معتهوی که مرتکب جرم شده است در قوانین فعلی ما به عنوان هدف پژوهش قرار داده شده است که در تبیین این هدف به رویه قانون کیفری مصر هم پرداخته می شود و سعی بر آن خواهد بود که راهکارهای پاسخگویی و برخورد با جرایم این اشخاص در قوانین فعلی پاسخ داده شود.

چ_روش شناسی پژوهش

روش اتخاذی در این تحقیق، توصیفی و تحلیلی و چگونگی گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه ای می باشد، سپس سعی شده است که مباحث حقوق ایران و مصر در این خصوص بصورت مزجی نوشته شود. حتی الامکان و به فراخور موضوع از موارد عملی مطرح شده در رویه قضائی نیز استفاده خواهد شد و عنداللزوم به نقد اراء صادره در این خصوص پرداخته می شود.

ح_ ساماندهی پژوهش

نظر به ضرورت فهم مفهوم عته و مصادیق آن و همچنین تأثیری که عته در فرایند ارتکاب جرم و مسئولیت کیفری دارد و تعیین وضعیت معتوه در صورت ارتکاب جرم، رساله حاضر در سه فصل ارائه می گردد در فصل اول به کلیات رساله پرداخت می شود که شامل مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع رساله از جمله مفاهیم مرتبط با نقصان عقل، مصادیق عته در علوم روانشناسی و... می باشد. فصل دوم به تأثیر عته در رابطه با عناصر مسئولیت کیفری می پردازد و تأثیر عته در اهلیت جزائی و نقصان مسئولیت و ارکان فعل مجرمانه بررسی می شود و نهایتاً در فصل سوم واکنش های قانونی به جرائم ارتكابی از ناحیه معتوهین در حقوق جزای ایران و مصر مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و وضعیت کیفری و یا غیر کیفری معتوه در مقابل ارتكاب جرائم مشمول حدود و قصاص و دیات و تعزیرات تبیین و تشریح می شود.

فصل اول: کلیات تحقیق